

## بررسی زیبایی‌شناسی نور در قلمرو سبک تَنبْرِیسم (از اوایل قرن ۱۵م. تا به امروز)

### چکیده:

در قرن ۱۷م. کاراواجیو، نقاش ایتالیایی، ضمن به‌کارگیری سبک باروک، با نگاهی خاص به نور و سایه خود مبتکر سبکی می‌گردد که، «تَنبْرِیسم» خوانده می‌شود. بدین ترتیب، هنرمندان دیگری نیز تحت تأثیر نور قرار می‌گیرند و در این ارتباط به کنکاش می‌پردازند. لذا، هدف از نگارش این مقاله، بررسی زیبایی‌شناسی نور در قلمرو سبک تَنبْرِیسم می‌باشد. پرسش اصلی این پژوهش این است که، اگر نور که در گذشته به‌عنوان عنصری مقدس ستوده می‌شد، چگونه در قرون بعدی به پدیده‌ای زمینی در آثار هنرمندان غربی بدل می‌گردد؟ سپس، به‌عنوان یافته‌های این پژوهش، می‌توان چنین اظهار نمود که، تَنبْرِیسم پدیدار شدن نور از درون

**جلال‌الدین سلطان کاشفی**  
استاد دانشکده هنرهای تجسمی، گروه  
آموزشی نقاشی، دانشگاه هنر، تهران  
Email: J.soltankashefi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۵

تاریکی است؛ چرا که گروهی بر این اعتقاد پای می‌فشارند که همه چیز از دل تاریکی زاده می‌شود. در اساطیر یونان، آپولون، خدای روشنایی، سوار بر ابراهه‌اش همه جا نور می‌پراکند، تا بر تاریکی غلبه نماید. یا در قرون وسطی نیز نور با خداوند هم‌ذات پنداشته می‌شود. هم‌چنین، به‌عنوان نتیجه حاصل شده باید گفت که، در برخی از نقاشی‌های این هنرمند، نور به‌روی موضوع اصلی متمرکز می‌شود و بقیه فضای تصویری در تیرگی قرار می‌گیرد. در واقع، چنین پنداری تنها از انگیزه‌های اسطوره‌ای سرچشمه نمی‌گیرد، بلکه از تفکرات روشن‌فکرانه نیز به‌وجود می‌آید که در این واکاوی به آن‌ها اشاره می‌گردد. روش پژوهش، تحلیلی - تطبیقی است؛ گردآوری منابع مورد نیاز، کتابخانه‌ای و در برخی موارد استفاده از مآخذ معتبر اینترنتی می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** تَنبْرِیسم، کیاروسکورو، کاراواجیو، نور در بستر تاریکی، دُ لا تور، وان راین

## مقدمه

نور و سایه یا به دیگر سخن، کیاروسکورو<sup>۱</sup> در طول تاریخ، همیشه انگیزه‌ای ارزشمند جهت شکل دادن به آثار هنری، به‌ویژه، در قالب هنرهای تجسمی بوده است و هنرمندان بسیاری با به کارگیری این پدیده، گاه، جهت حجم نمایی و گاه، برای القا نمودن نوری مقدس و یا گاه، با اغراق در این وادی جهت شکل دادن به فضایی تخیلی آثاری به وجود آورده‌اند که به‌عنوان شاهکارهایی در زمینه هنرهای دیداری معرفی شده‌اند؛ هم‌چنین، هنرمندانی به نور، جنبه نمادین بخشیده‌اند و آن را مظهر ارزش‌های الهی و ملکوتی دانسته‌اند و گروهی دیگر، آن را از دریچه علم فیزیک پدیده‌ای مادی و این جهانی به حساب آورده و به آن صورتی زمینی داده‌اند و دسته‌ای دیگر نیز در قرن ۱۷ م. بر این اعتقاد بوده‌اند که هستی و یا موجودیت هر پدیده‌ای توسط نور از دل تاریکی<sup>۲</sup> به وجود آمده است (آیتو، ۱۳۸۶: ۳۴۱). سرانجام، برخی از نقاشان غربی آثاری را خلق کرده‌اند که نور، مستقیماً به روی موضوع اصلی متمرکز گشته و بقیه فضای اثر در تاریکی باقی مانده است. بدین ترتیب، برای آگاهی یافتن از علت‌ها، ابهامات و عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری این پندار - که به تئبریسیم<sup>۳</sup> شهره گردیده - در این تحقیق، نویسنده بعد از اشاره‌ای مختصر به پرسش‌ها، پیشینه و روش تحقیق اتخاذ شده، ابتدا، به بررسی ریشه واژه تئبریسیم و کیاروسکورو پرداخته، سپس، نگاهی به زمینه‌های تاریخی سایه روشن و سبک تئبریسیم و یا به دیگر سخن، کاراواژیسم<sup>۴</sup> انداخته و متعاقباً، به معرفی برخی از هنرمندان و بررسی عوامل تأثیرگذار در آثار یاد شده همت گماشته و سرانجام، نظری اجمالی به دست آورده‌ای تئبریسیم، از قرن نوزدهم تا به امروز نموده است، هم‌چنین، در این جست و جو پرسش‌هایی مطرح گردیده که در ذیل این سطور به آن‌ها اشاره کرده و اجمالاً، در بخش نتیجه‌گیری به ابهامات ایجاد شده پاسخ داده است.

## پرسش‌های پژوهش

۱) نور که در گذشته‌های دور، به‌عنوان عنصری الهی و مقدس ستوده می‌شد، چگونه در قرون بعدی تغییر معنا می‌یابد و در زیر چتر تجربه‌های جدید علمی به پدیده‌ای زمینی و عنصری مادی در هنر هنرمندان غربی بدل می‌شود؟

۲) شدت بخشیدن به سایه روشن (کیاروسکورو) قبل از شکل‌گیری سبک تئبریسیم در هنر نقاشی وجود داشته

است؟ یا این مهم زائیده سبک نام برده می‌باشد؟  
۳) ویژگی‌های سبک تئبریسیم، تنها در هنر نقاشی به‌منصه بروز و ظهور می‌رسد؟ یا در دیگر هنرهای تجسمی نیز متجلی می‌گردد؟

## پیشینه پژوهش

آن‌چه اهمیت و ضرورت نگارش این تحقیق را روشن می‌سازد، فقدان کتاب و مقالاتی است که در زمینه «زیبایی‌شناسی نور در قلمرو سبک تئبریسیم» به رشته تحریر درآمده و به چاپ رسیده باشد. لذا، با توجه به تحقیقات انجام شده در این خصوص باید گفت که، نویسندگان بسیاری در مورد آثار به جا مانده از «تئبریسیم» مطالبی نگاشته‌اند، که جای تعمق دارد؛ لیکن، آن‌گونه که در این تحقیق دنبال می‌شود، به صورت تطبیقی و قیاس آن‌ها با یک‌دیگر به بررسی عوامل تأثیرگذار در ایجاد تشابه و تفاوت‌ها و تفکرات برخاسته از «کیاروسکورو» یعنی تصورات مبتنی بر «سایه روشن‌های ملایم و شدید» در فضای تصویری و ویژگی‌های تئبریسیم نپرداخته‌اند. لذا، در این مختصر، ضمن استفاده از کتب و مقالات دیگر، نگارندگانی که در مورد کاراواجیو و سبک تئبریسیم، به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم (به شکلی آشکار و یا در حاله‌ای از ابهام) قلم زده‌اند، مانند ه. و. جنسن<sup>۵</sup> (۱۳۵۹)، در کتاب «تاریخ هنر» به صورت غیر مستقیم تنها اشاره‌ای گذرا به کاراواجیو دارد<sup>۶</sup>. یا هلن گاردنر<sup>۷</sup> (۱۳۶۵)، در کتاب «هنر در گذر زمان» به هنرمند یاد شده می‌پردازد و **نگاهی** کوتاه به تئبریسیم می‌کند.<sup>۸</sup> یورواردور هاروارد، آرناسن<sup>۹</sup> (۱۳۶۷)، در کتاب «تاریخ هنر نوین» توجهی به پیامدهای این سبک در آثار هنرمندان نوگرا نمی‌نماید.<sup>۱۰</sup> هربرت رید<sup>۱۱</sup> و گروهی از مولفان (۱۳۶۷)، در نگارش کتابی به نام «کتاب هنر»، ضمن اشاره به دست آورده‌های کاراواجیو<sup>۱۲</sup> و برخی از نقاشانی که متأثر از او شده‌اند، اشاره‌ای غیر مستقیم به سایه روشن‌های شدید وی می‌نمایند؛ لیکن، به تئبریسیم و علت شکل‌گیری آن نمی‌پردازند.<sup>۱۳</sup> هم‌چنین، فردریک هارت<sup>۱۴</sup> (۱۳۸۲)، در کتاب «سی و دو هزار سال تاریخ هنر» به زندگی نامه و برخی از خصوصیات آثار میکلائلو مریزی و یکی از شاگردانش به نام آرتمیسیا جنتیلیشی<sup>۱۵</sup> می‌پردازد؛ اما از کیاروسکورو و تئبریسیم مطلبی ارائه نمی‌دارد.<sup>۱۶</sup> دنیس اسپور<sup>۱۷</sup> (۱۳۹۲)، در کتاب «انگیزه‌های آفرینندگی در سیر تاریخ هنرها»، ضمن توجه به هنر عصر باروک، مختصر

می‌گیرد که زمینه‌های مذهبی و اعتقادی در مسیحیت دارد. «تِنبرو به سه روز آخر «هفته مقدس»، یعنی هفته معروف به «صلیب عیسی» اطلاق می‌شود که در آن روزها مسیحیان شمع روشن می‌کنند» (Aryanpur, 1986: 2285). در واقع، در این سه روز مقدس، مسیحیان در پرتو نور شمع امورات خود را می‌گذرانند و «تاریکی» و حزن و اندوه را به «روشنایی» ترجیح می‌دهند. آنان در این ایام به عبادت می‌پردازند و نگاهی دراماتیک<sup>۲۲</sup> به زندگی دارند. این حزن و اندوه، و سوگواری به طور نمادین، از پنجشنبه‌ای که شام آخر شکل می‌گیرد آغاز و تا یکشنبه‌ای که عیسی مسیح به سوی خداوند، به ملکوت پرواز می‌کند، با شب زنده‌داری ادامه می‌یابد و این روز را عید پاک<sup>۲۳</sup> یا رستاخیز می‌نامند. واژه تِنبریونید (Tenebrionid) یا (Tenebrionidae) و کوتاه شده آن تِنبریو (Tenebrio)، به معنای روح و یا جوهر تاریکی است که به سال ۱۹۲۰م. از زبان لاتین نوین استخراج می‌گردد (Pearsall, 1999: 1910). تِنبریسیم به عنوان یک سبک «در تاریخ نقاشی غرب، از کنتراست مابین نور و تاریکی، با توجه به سایه روشن‌های شدید نمایشی آغاز می‌شود... در ابتدا، اغلب نقاشان در پرتو<sup>۲۴</sup> سازی‌های خود، در پس زمینه آثار، سپس، در میان زمینه و سرانجام، در پیش زمینه یک اثر از آن بهره می‌گیرند. در واقع، بخش قابل توجهی از نقاشی‌هایشان را به شدت تیره می‌کردند تا پرسوناژهایشان با نور درخشان از زمینه بیرون زده شوند و باعث توهمی از «سُه‌بعدنمایی» بیش‌تری در اثر نقاشی گردد. به چنین شدتی از نورپردازی درهم‌جواری تاریکی تِنبریسیم و در زبان ایتالیایی تِنبروسو<sup>۲۵</sup> می‌گویند (URL1). در واقع، آغاز این تکنیک، و سرانجام، تبدیل شدن آن به یک شیوه و سبک را از ۱۶۰۰م.، به موازات شکل‌گیری هنر باروک می‌دانند. «واژه تِنبروس (Tenebrous) نیز از لاتین و زبان قدیم فرانسه اتخاذ می‌گردد که به معنای ایجاد سایه روشن از دل تاریکی جهت بیان صحنه‌های دراماتیک است. هم‌چنین، لغت تِنبرِس (Tenebres)، در زبان فرانسه به معنای فرشته، شاهزاده و یا سلطان سیاهی می‌باشد و تِنبرکس (Tenebreux) نیز با توجه به معنای رمزی آن اشاره به مکان و زمان روشنایی و تاریکی دارد. واژه تِنبریست (Tenebrist) نیز به هنرمندی گفته می‌شود که در این سبک فعال است» (Carreard, 1997: 803).  
 واژه کیاروسکورو (Chiaroscuro) نیز به معنی سایه و روشن

اشاره‌ای به برخی از آثار کاراواچو می‌نماید.<sup>۱۸</sup> مریلین استاکستاد<sup>۱۹</sup> (۱۳۹۵)، در کتاب «تاریخ هنر»، نگاهی به زندگی نامه مریزی و برخی از آثارش دارد؛ لیکن، توجهی به موضوع مورد بحث یعنی تِنبریسیم و فلسفه وجودی آن نمی‌ورزد.<sup>۲۰</sup> لذا، عمیقاً، نپرداختن به این مهم در کتب و تحقیقات یاد شده سبب گردیده، تا به واکاوی در سبک نامبرده - با توجه به توهمی که از سه بعدنمایی و یا برجسته‌نمایی در آثار «تِنبریسیم» یا به عبارتی دیگر، «کاراواژیسیم» ایجاد گشته است - پرداخته شود.

### روش پژوهش

در این جست و جوی، روش تحقیق اتخاذ شده به لحاظ جنبه‌های تاریخی، پژوهشی توصیفی است؛ تا به ابهامات موجود، از طریق پرسش‌های مطرح شده، پاسخ داده شود. هم‌چنین، در این واکاوی، این مهم با نگاهی تحلیلی ادامه می‌یابد؛ تا روابط مابین آن‌ها، به خوبی، بارز و آشکار گردد. به خصوص در این تحقیق، سعی بر آن شده است تا به گونه‌گونی فرهنگ‌ها و دیدگاه‌های مذهبی، اجتماعی، قومی و هستی به وجود آمده، اشاره شود. سرانجام در این پژوهش، گردآوری منابع و اطلاعات مورد نیاز نیز کتابخانه‌ای می‌باشد. هم‌چنین، در این ارتباط از مآخذ و سرچشمه‌های اینترنتی معتبر نیز استفاده می‌شود. در واقع، مبنای تحلیل‌ها ابتدا، بر اساس آگاه شدن از ریشه مفاهیم برخی از واژه‌های کلیدی مانند لغت تِنبریسیم و کیاروسکورو - که در برخی از طراحی، نقاشی، چاپ‌های دستی دوران گذشته و تعدادی از دستاوردهای هنر عکاسی معاصر جریان داشته است - شکل می‌گیرد؛ تا بتوان در این تحقیق به نتیجه‌ای روشن دست یافت.

### بررسی واژه تِنبریسیم و کیاروسکورو از منظر اَیْمولوژی<sup>۲۱</sup>

برای آگاهی از نگرش نویسندگان و هنرمندانی که به سبک تِنبریسیم و از این رهگذر به کیاروسکورو در آثارشان پرداخته‌اند، ضروری می‌نماید که قبل از هر سخن، ابتدا، نگاهی به ریشه و مفهوم واژه‌های یاد شده و علت شکل‌گیری آن‌ها انداخته شود، تا مخاطب به خوبی، بتواند به تصورات و نیات کسانی که در تجسم بخشیدن به فضای آثارشان از واژه‌های مطرحه سود برده‌اند، واقف گردد.  
 واژه تِنبریسیم (Tenebrism) از کلمه لاتینی تِنبرو (Tene-brea)، یعنی غوطه ور شدن در بستر تاریکی، سرچشمه

استفاده نموده و پس زمینه برخی از آثارش را عمیقاً تیره می‌نماید؛ تا چهره‌سازی‌هایش، به خوبی، از زمینه جدا و کاملاً برجسته به نظر آیند (تصویر ۱). وی در این ترکیب بندی چهره و عمامه مورد نظرش را از دل تاریکی بیرون می‌کشد و شاید، اولین اثری باشد که در آن دوران، هنرمندی تا این اندازه از فام سیاه در تقابل با رنگ‌های نسبتاً روشن، مانند رنگ صورت و عمامه قرمز پرسوناژ بهره می‌گیرد و نیات درونی فرد نقاشی شده را به نمایش می‌گذارد. در این جا، قابل ذکر است که طبق نظر هلن گاردنر، اولین نقاشی که برای به صحنه کشیدن نیات درونی پرسوناژها از سایه روشن در اثرش به نام نقدینه خراج سود می‌جوید، تُماسودی سر جیوانی دی سیمونه کاسابی، معروف به مازاچیو<sup>۲۲</sup> می‌باشد. گاردنر، در این باره چنین می‌نویسد: «مازاتچیو در نقاشی دیواری نقدینه خراج... انبوه پیکره‌ها را نه با توسل به شیوه برجسته‌نمایی کلی و به کمک نور ساده و خنثی و فاقد سرچشمه قابل تشخیص، همانند آثار جیوتو<sup>۲۳</sup> بلکه با استفاده از نوری نشان داده می‌شود که از منبع خاصی بیرون از صحنه تابلو، با زاویه ثابتی به پیکره‌ها می‌تابد، بخش‌هایی از اجسامی را - که بر سر راهش ایستاده‌اند - روشن می‌نماید و بقیه را در سایه می‌گذارد. این گونه رودر رو کردن نور و سایه، تصور وجود نقش برجسته‌های پیکرتراشانه را در ذهن بیننده زنده می‌کند و بین دو حد نور و سایه، نور در حکم یک نیروی پیوسته فعال، اما نوسان دار، مستقل از پیکره‌ها و جسمی تقریباً ملموس است... در آثار مازاتچیو... ما نور را طوری به تصویر می‌آوریم که گویی بر روی شکل‌ها

می‌باشد؛ لغت ترکیبی مذکور به دو قسمت برای بیان دو پدیده تقسیم می‌شود. در واقع کیارو (Chiaro) به معنی روشنائی و اسکورو (scuro) به معنای تاریکی است و جملگی به یک تکنیک اساسی در هنر نقاشی مبدل می‌گردد. «این تکنیک، جهت شکل‌گیری تینبریسیم، ابتدا، توسط نقاش پیر آوازه ایتالیایی، کاراواجیو (۱۵۷۱-۱۶۱۰ م.)، در قرن ۱۷ م.، مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ و سپس، توسط هنرمندانی - که از او تاثیر پذیرفته بودند - متحول می‌شود. مانند تاثیر پذیری نقاش معروف فرانسوی، ژرژ دُ لاتور،<sup>۲۶</sup> یا هنرمندان به نام هلندی، ژرار وان هونت هورست<sup>۲۷</sup> و هندریک تربروگن<sup>۲۸</sup> و یا هنرمند شهیر اسپانیایی، فرانسیسکو دُ ثورباران»<sup>۲۹</sup> (Ibid:803). بدین ترتیب، با گذشت زمان، هنرمندان دیگری با سود جستن از کیاروسکورو به سبک مطروحه روی می‌آورند که در این تحقیق، به علت ازدیاد آن‌ها، تنها به برخی از آنان اشاره می‌گردد.

نگاهی به زمینه‌های تاریخی کیاروسکورو و سبک تینبریسیم قبل از این که هنرمندان از سایه روشن و یا به عبارتی دیگر، از کیاروسکورو به عنوان یک فن استفاده کنند، اکثر نقاشان غربی در پرتو سازی‌های خویش، جهت ایجاد سه بعد نمایی و یا برجسته نمودن چهره‌سازی‌ها از تکنیک رنگ روغن و در آمیختن آن با تمپرا<sup>۳۰</sup> بهره می‌گیرند و تیره نمودن پس زمینه اثر سبب حجم‌نمایی و بیرون زدن چهره از سطح دو بُعدی بوم یا تخته و یا نقاشی دیواریشان می‌گردد؛ مانند اثریان وان ایک<sup>۳۱</sup> هنرمند فلاندری، به نام «مردی با عمامه سرخ» که متعلق به ۱۴۳۳ م. است. وان ایک از این تکنیک (سایه روشن)



تصویر ۲: عیسی مسیح در حال دعای پیش از غذا، اثر هانس مملینگ، نقاش آلمانی، رنگ روغن روی تخته، متعلق به ۱۴۷۸ م. (ماخذ: URL4).



تصویر ۳: پرتزه دختر جوان، اثر پطروس کریستوس، نقاش نیدرلندی، رنگ روغن روی تخته، متعلق به حدود ۱۴۷۰ م. (ماخذ: URL3).



تصویر ۴: مردی با عمامه سرخ، اثریان وان ایک، نقاش فلاندری، رنگ روغن روی تخته، متعلق به ۱۴۳۳ م. (ماخذ: URL2).

نگاره آبرشت دورر<sup>۳۷</sup> نقاش و چاپ‌گر آلمانی که چهره خود را در سنین جوانی نشان می‌دهد؛ و یا تجسم یحیی تعمید دهنده، اثر لئوناردو داوینچی<sup>۳۸</sup> - که در این تصویر یحیی مقدس اشاره به خداوند یکتا می‌نماید- و یا هانس هولبین<sup>۳۹</sup> کهتر، نقاش آلمانی، که با سود جستن از رنگ روغن و تمپرا روی کاغذ و انتقال آن به روی یک قطعه چوب، خانواده خود را در اوایل قرن ۱۶م. به صحنه می‌کشد. و گویای احساسات مادر به فرزندانش می‌گردد. او نیز مانند گرتگن فان هالیم از تیرگی در تقابل با روشنائی، تنها در پرتره‌سازی استفاده نمی‌کند. بلکه کل فضای تصویری خود را بدین گونه می‌آراید. در واقع، آثار این هنرمندان زمینه را برای شکل‌گیری تیریسیم آماده می‌سازند (تصاویر ۴-۷).

از اوایل قرن هفدهم م.، میکلائلو میریزی معروف به کاراواجیو، ابتدا، توجهی خاص به دستاوردهای رنسانس پیشرفته و پسین (میریسیم)<sup>۴۰</sup> می‌نماید؛ لیکن، چندی بعد، ضمن استفاده از دیدگاه‌های هنر باروک<sup>۴۱</sup> خالق سبک نوینی به نام تیریسیم می‌گردد. بدین ترتیب، گروهی نیز از او پیروی می‌نمایند و این سبک را کاراواژیسم می‌نامند. وی در ابتدای فعالیتش تمامی فضای تصویری خود را تیره نمی‌کند؛ مانند اثری به نام قمار باز - که متعلق به ۱۵۹۴م. است - او، در سمت راست پس زمینه تصویر، بخش کوچکی را هم چنان، روشن نگه داشته؛ تا عمق صحنه مانند اثر پطروس کریستوس، نه تنها فزونی یابد، بلکه از تنوع بیش‌تری برخوردار گردد (تصاویر ۲ و ۸). با این وصف، وی در فضا سازی ها آهسته آهسته، فام سیاه را بیش از گذشته وارد تصویر می‌کند و

جابه‌جا می‌شود، و بر حسب راهنمایی هنرمند برخی را نمایان و برخی را پنهان می‌سازد (گاردر، ۱۳۶۵: ۳۸۷ و ۳۸۸). از دیگر نقاشان پرتره‌ساز این دوران، می‌توان به پطروس کریستوس<sup>۴۲</sup> نقاش نیدرلندی اشاره کرد که در پرتره‌سازی تمامی پس زمینه اثرش را تیره نمی‌کند؛ تا نه تنها عمق صحنه با وضوح بیش‌تری احساس گردد، بلکه از یک نواختی در پس زمینه آثارش کاسته شود (تصویر ۲). در میان هنرمندان آلمانی، هانس مملینگ<sup>۴۳</sup> نیز ضمن توجه به دستاوردهای مسیحیت، حضرت مسیح را در حال دعا و شکرگزاری پیش از عشای ربانی به تصویر می‌کشد. تصویری که نور تنها در چهره آن حضرت و در به نمایش گذاشتن دستانش خلاصه گردیده و مخاطب را به تمرکز نمودن به روی چهره تمام رخ نمای او وامی‌دارد (تصویر ۳). هم‌چنین گرتگن فان هارلم،<sup>۴۴</sup> نقاش نیدرلندی دیگری، تولد عیسی مسیح را - که در شب اتفاق می‌افتد - زیر نور کم‌رنگ یک ستاره و فرشته‌ای - که نظاره‌گر این رویداد بزرگ تاریخی است - به دیده می‌نشانند. آسمان غرق در تاریکی است و نور استتار یافته به روی بدن آن حضرت، سیمای مریم مقدس را روشن و تابناک می‌کند. وی در این پرده سخن از نوری غیرمادی و ملکوتی دارد و نه نوری که از طبیعت گرفته می‌شود (تصویر ۴).

بدین ترتیب، با گذشت زمان هنرمندان بسیاری، ابتدا، در چهره‌سازی و سپس، در کل فضای تصویری خود از تقابل تیرگی با روشنائی استفاده نمودند؛ تا در ترسیم پرسوناژهایشان، هم حداکثر برجستگی را به دست آورند و هم بیان‌کننده حالات روحی و روانی آن‌ها باشند؛ مانند خود



تصویر ۶: یحیی تعمید دهنده، اثر لئوناردو داوینچی، هنرمند ایتالیایی، رنگ روغن روی تخته، متعلق به حدود ۱۵۱۳/۱۶م. (ماخذ: URL).



تصویر ۵: خودنگاره در جوانی، اثر آبرشت دورر، نقاش و حکاک آلمانی، رنگ روغن روی...، متعلق به ۱۴۹۳م. (ماخذ: URL6).



تصویر ۴: تولد حضرت مسیح در شب، اثر گرتگن فان هارلم، معروف به سن جان، نقاش نیدرلندی، رنگ روغن روی تخته، ۱۴۹۰م. (ماخذ: URL5).



متعلق به ۱۶۰۶ م. می باشد- ضمن شدت بخشیدن به نورو سایه (کیاروسکورو)، تمامی پرسوناژهایش را غرق در تیرگی مطلق می نماید؛ تا رویدادهای مذهبی جلوه‌ای حزن‌انگیز و دراماتیک یابد. در واقع، بدین گونه، تینبریسیم زاده می شود و مورد استفاده دیگر نقاشان نیز قرار می گیرد (تصاویر ۹ و ۱۰).

### معرفی برخی از هنرمندان و بررسی عوامل تاثیرگذار در آثار تینبریسیم

در ادامه این روند، هنرمندان ایتالیایی دیگری - که تحت تاثیر کاراواجیو قرار گرفته بودند- با سود جستن از کیاروسکورو، این نوع نگرش را گسترش بیش تری دادند؛ به خصوص این که با نگاه کاتولیک مآبانه سبک باروک و با بسیاری از ارزش‌های پروتستانیسم منافاتی نداشت و خارج از بُعد مذهبی با اسطوره‌های گذشته نیز همراه بود؛ مانند اثری از جیوانی بگلیونه<sup>۲</sup> که در زمینه موضوعات اسطوره‌ای، الهه شکوه و خوبی را با توجه به ویژگی‌های تینبریسیم، حدود ۱۶۰۰ م. به صحنه می کشد؛ ویا کریستوفانو آلوری<sup>۳</sup> با نقش نمودن افسانه تاریخی، بریدن سر هولوفرن توسط جودیت را در فضایی کاملاً، تیره به نمایش می گذارد. در این گونه آثار هر چند که موضوع منتخبه از نگاهی مذهبی سرچشمه نمی گیرد، لیکن، تصورات اسطوره‌ای و یا حکایت‌های تاریخی نیز به همان اندازه شورانگیز و دارای اهمیت در جامعه آن دوران می گردد (تصاویر ۱۱ و ۱۲).

برطبق شواهد تاریخی، این نوع رویکرد (استفاده از تینبریسیم) منحصر به کشور ایتالیا، به خصوص شهر رُم نمی شود؛ بلکه در دیگر نقاط جهان نیز گسترش روز افزون می یابد. بدین ترتیب، به غیر از هنرمندان ایتالیایی نمونه‌هایی از این نگرش



تصویر ۷: خانواده هنرمند، اثر هانس هولبین (کهرتر) نقاش آلمانی، رنگ روغن و تمپرا روی کاغذ و انتقال آن روی چوب، ۱۵۲۸ م. (URL8).



تصویر ۸: قمار باز، اثر میکلانژ لومریزی، معروف به کاراواجیو، نقاش ایتالیایی، رنگ روغن روی بوم، متعلق به ۱۵۹۴ م. (ماخذ: URL9).

تاریکی را جهت شکل‌گیری نیاتش به روشنایی ترجیح می دهد (تصاویر ۹ و ۱۰).

وی در این گونه آثار مانند قربانی کردن اسماعیل به دست ابراهیم - که متعلق به ۱۵۹۸ م. است - و یا شام در عمواس - که



تصویر ۱۰: شام در عمواس، اثر کاراواجیو، نقاش ایتالیایی، رنگ روغن روی بوم، متعلق به ۱۶۰۶ م. (ماخذ: lbid).



تصویر ۹: قربانی کردن اسماعیل به دست ابراهیم، اثر کاراواجیو، نقاش ایتالیایی، رنگ روغن روی بوم، متعلق به ۱۵۹۸ م. (ماخذ: URL9).



تصویر ۱۳: صحنه شبانگاهی، اثر پیتر پل روبنس، نقاش فلاندری، رنگ روغن روی تخته، متعلق به ۱۶۱۷م. (ماخذ: URL12).



تصویر ۱۱: کلیوا (الهه شکوه و خوبی) اثر حیوانی بگلیونه، نقاش ایتالیایی، رنگ روغن روی بوم، متعلق به حدود ۱۶۰۰م. (ماخذ: URL10).



تصویر ۱۴: تمثیل اباطیل، اثر تروفیم بیگوت، نقاش فرانسوی، رنگ روغن روی بوم، متعلق به ۱۶۴۵م. (ماخذ: URL13).

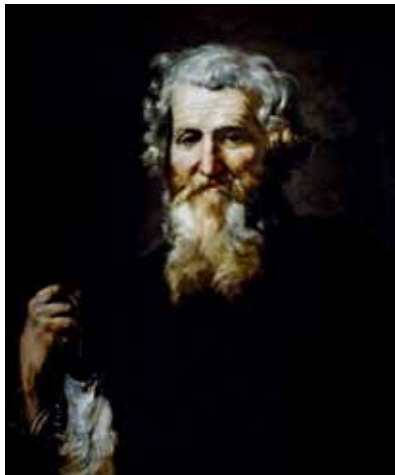


تصویر ۱۲: بریدن سر هولوفرن توسط جودیت، اثر کریستوفانو آلوری، نقاش ایتالیایی، رنگ روغن روی بوم، متعلق به ۱۶۱۳م. (ماخذ: URL11).

درونی پرسوناژها و آشکار نمودن هویتشان برای مخاطب می‌گردد. او در این تابلو، اشاره به چهره کودکی خردسال در کنار مادر بزرگی تکیده با چشمانی کم‌سو دارد و سخن از طراوت و سرزندگی در چهره کودک و هم‌زمان فرسودگی و ناتوانی در صورت پیرزن می‌کند. ویاتروفیم بیگوت<sup>۴۵</sup>، نقاش فرانسوی، در اثری به نام تمثیل اباطیل، ضمن سود جستن از ویژگی‌های تِنیریسِم، اشاره به فنا پذیری و نیستی انسان می‌نماید. در این اثر، نور دو شمع، نه در پیش زمینه تابلو، بلکه از پس زمینه و تا حدودی، میان زمینه به اشیای سر راهش سوسوکنان می‌تابد. و زنی جوان با انگشتش اشاره به بقایای اسکلت سرفرسوده بشری دارد و مخاطب را به تفکر هنرمند، مبنی بر سوژه‌ای تراژیک<sup>۴۶</sup> نزدیک می‌کند (تصاویر ۱۳ و ۱۴).

پس از چندی این گونه آثار نیز جنبه تغزلی می‌یابد و با به نمایش درآوردن نوای موسیقی و ادغام با دست آوردهای تِنیریسِم به پیش باز سبک رُمانتی سیسم<sup>۴۷</sup> می‌روند؛ چرا که

رادرممالکی چون آلمان و هلند، سپس، در فرانسه، انگلیس، اسپانیا و دیگر کشورهای جهان می‌توان نظاره نمود؛ مانند صحنه شبانگاهی، اثر پیتر پل روبنس،<sup>۴۴</sup> نقاش فلاندری، که با ترسیم دو پرسوناژ زیر نور شمع، نوری که منحصر، به روی چهره و دستان آنان محصور گردیده، گویای احساسات



تصویر ۱۸: آندره مقدس، اثر جوزپه ریبرا، نقاش اسپانیایی، رنگ روغن روی بوم، متعلق به ۱۶۳۰ م. (ماخذ: URL17).



تصویر ۱۵: مرد زیر نور شمع آوازی خواند، اثر آدام دُگستر، نقاش فلاندی، رنگ روغن روی بوم، متعلق به حدود ۱۶۲۵/۳۵ م. (ماخذ: URL14).

باروک و روکوکو: زندگی اشرافی، تجملاتی و دوران روشنگری است و هنرمندان در این دوران، خردگرایی را محدود کننده و سرکوب گرو روح آدمی می دانند. بدین ترتیب آدام دُگستر<sup>۴۸</sup> هنرمند فلاندی در اثری به نام مردی زیر نور شمع آواز می خواند، اشاره به ارزش های تغذلی، درسیاهی شب دارد؛ و یا نقاشی هلندی به نام هندریک تیربروگن، در اثری به نام گُنسرت، همچون دُگستر به نوای موسیقی و از این رهگذر، توجه به احساسات تغذلی بشری می نماید. در این تابلو، نور در مرکز اثر و بخشی از پس زمینه را روشن می سازد و مخاطب به فضایی نسبتاً خیال انگیز و رویایی راه می گشاید (تصاویر ۱۵ و ۱۶).

با این وصف، گروهی از نقاشان هم چون گذشته به امور دینی توجهی خاص می ورزند و از سبک تینریسم برای به اجرا در آوردن صحنه های دراماتیک و اندوهگین مذهبی سود می جویند؛ مانند دُمنیکوس تئوتوکوپولوس معروف به ال گرکو،<sup>۴۹</sup> یا دیگو وُد ریگزد سیلواپی و لاسکوئز،<sup>۵۰</sup> هنرمندان اسپانیایی، دسته ای نیز هر چند که از موضوعاتی قدسی بهره می گیرند؛ لیکن، به غم و اندوه و سوگ نامه نمی پردازند؛ مانند جریث فان هونت هورست، هنرمند هلندی، جوزه ریبرا<sup>۵۱</sup>، نقاش اسپانیایی و یائزرز دُ لا تور، نقاش فرانسوی. بدین منوال، هونت هورست در اثری به نام ستایش عیسی مسیح، نه از نور یک شمع، بلکه از نوری الهی و آسمانی استفاده می کند و پرسوناژهای تقدیس شده خود را در فضایی کاملاً تیره به نمایش می گذارد؛ هر چند که ستایش آن حضرت صحنه ای غم انگیز نمی باشد. و یا جوزه ریبرا از کوئی تیسیم<sup>۵۲</sup>



تصویر ۱۶: گُنسرت، اثر هندریک تیربروگن، نقاش نیدرلندی (هلندی)، رنگ روغن روی بوم، متعلق به ۱۶۲۷ م. (ماخذ: URL15).



تصویر ۱۷: ستایش عیسی مسیح، اثر جریث فان هونت هورست، نقاش عصر طلایی هلند، رنگ روغن روی بوم، متعلق به ۱۶۲۰ م. (ماخذ: URL16).

زمانتیسیم به نوعی واکنش احساسی در برابر خرد محوری است و گرایش به سوی خیال و رویا، دیدگاه های معنوی، مناسک و نماد دارد. در حقیقت زمانتیسیم، حرکتی بر ضد هنر





تصویر ۲: مادر و کودک، اثر ژوزف لاتور، نقاش فرانسوی، رنگ روغن روی بوم، متعلق به ۱۶۴۵/۴۸ م. (ماخذ: ibid).



تصویر ۱۹: یوسف نجار و مسیح، اثر ژوزف لاتور، نقاش فرانسوی، رنگ روغن روی بوم، متعلق به ۱۶۴۲ م. (ماخذ: URL18).

حُزن و اندوه به کار گرفته می‌شود در حالی که در هنر باروک و روکوکو<sup>۵۳</sup> چنین اهدافی دنبال نمی‌شود. هم‌چنین، در سبک یاد شده سیاهی مطلق چیزی را القا نمی‌کند و نقاش برای ادراک موضوع منتخبه نیاز به مقدار اندکی روشنایی دارد؛ تارزش‌های زیبایی‌شناسانه خود را به نمایش بگذارد. هر چند که در هنرهای دیگر از جمله هنر باروک و روکوکو، این نگاه زیبایی‌شناسانه به صورت معکوس عمل می‌گردد و در آن، نیاز هنرمند به روشنایی بیش از تیرگی می‌باشد. نور در سبک باروک از پایین به بالا می‌تابد؛ در حالی که در تِنبریسَم، به خصوص در سوژه‌های مذهبی، نور برعکس از بالا به پایین تابانده می‌شود. هم‌چنین، قابل ذکر است که با نگاه نمادین، معمولاً، تیرگی و سیاهی «نشانه گمراهی، اغوای دین و شیاطین، دورویی و در آثار هنری توقف، سکون، ایستایی و عدم رشد و به سوی کمال رفتن است. لیکن، تاریکی و تیرگی احساسی از سنگینی به بیننده دست می‌دهد، به همین علت در اثر هنری قسمت تاریک در بخش زیرین اثر قرار می‌گیرد و قسمت روشنایی در بالای اثر» (آیت‌اللهی، ۱۳۶۴: ۱۵۴). هم‌چنین، درباره روشنایی نیز باید گفت که این پدیده نشانه «هدایت و رستگاری، به سوی خداپرستی و توحید می‌باشد، زیرا خدا نور است، نور آسمان‌ها و زمین‌ها است... نور، روشن کننده اشیا و سایه افکننده آن‌ها است... خروج از تیرگی‌ها به سوی نور، رهبری به راه راست را به دنبال دارد» (همان: ۱۵۷-۱۵۸).

از دیگر آثار موسوم به تِنبریسَم، می‌توان به هنرمندانی چون دیرک فان بابورن،<sup>۵۴</sup> آرتمیسیا جنتیلیشی، فرانسیسکو

سود می‌جوید؛ یعنی به نمایش صحنه‌ای می‌پردازد که گویای نفسی آرام و توأم با سکوت می‌باشد. وی از این نوع فضا سازی برای نمایش روان انسانی مُنزه بهره می‌گیرد؛ مانند اثری به نام آندره مقدس که در آن، نور باز هم جنبه ماورایی و ملکوتی دارد و نور در قلمرو تاریکی سبب برجسته‌تر شدن چهره و دست آن قدیمی می‌گردد (تصاویر ۱۷ و ۱۸).

ژوزف لاتور، نقاش فرانسوی نیز با سود جستن از پرتولطیف و لرزان یک شمع، چهره و دستان یوسف نجار و مسیح و یاد اثری دیگر مادر و کودک را در تاریکی مطلق به صحنه می‌کشاند و بدین گونه، دید مخاطب را به روی موضوع اثر معطوف می‌گرداند (تصاویر ۱۹ و ۲۰).

به هر تقدیر، هنرمندان در این دوران، سعی در استفاده از هنر باروک و هم‌زمان تِنبریسَم می‌نمایند؛ و بدون این‌که به عمق نمایی نشأت گرفته از سبک باروک بها دهند و به برجسته‌نمایی پرسوناژهای خود توجهی خاص می‌نمایند و در این ارتباط از ویژگی‌های تِنبریسَم سود می‌جویند. در واقع، جهت به‌کارگیری کیاروسکورو به طور معمول هنرمندان از سایه روشن‌های نوسان دار زیادی بهره می‌گیرند؛ لیکن در تِنبریسَم، روشنایی و تاریکی از تنوع فراوانی برخوردار نمی‌گردد. بدین منظور، کیاروسکورو اجازه ژرف‌نمایی بیش‌تری را فراهم می‌کند؛ در حالی که تِنبریسَم (سیاهی یک دست)، به نوعی از شدت عمق‌نمایی در پس‌زمینه می‌کاهد؛ هر چند که برجسته‌نمایی و یا سه‌بعدنمایی توهمی از اهداف آن می‌باشد. دیگر این‌که تِنبریسَم برای نمایش حالت عاطفی، صحنه‌های دراماتیک، سوگواری و

را از روبه‌رو به پرسوناژهایش می‌تاباند و هم اشاره‌ای در پس زمینه به شمعی کوچک می‌نماید؛ لیکن، شمع نوری از خود ساطع نمی‌کند و تنها اشاره به ارزش‌های نمادین آن دارد (تصاویر ۲۱ و ۲۲).

فرانسسکو توروباران، نقاش اسپانیایی نیز در این زمینه بسیار فعال بود و در اثری به نام مریم و کودک، در یک کادر عمودی تمامی سطح پیش زمینه و تا حدود زیادی میان زمینه را غرق در تاریکی می‌نماید و روشنایی را در قسمت فوقانی به روی حضرت مریم و مسیح، با نوری، که از بالا و از منبعی ملکوتی می‌تابد، به کار می‌گیرد؛ تا تمرکز به روی سوژه اصلی گردد. لیکن، ماتياس استام، نقاش عصر طلایی هلند، با انتخاب کادری افقی صحنه بشارت را از نور شمعی در مرکز اثر، نوری مادی می‌گیرد؛ که نه اثری حزن‌انگیز، بلکه سوژه و تصویر،



تصویر ۲۱: توقیف کردن حضرت مسیح، اثر دیرک فان بابورن، نقاش هلندی، رنگ روغن روی بوم، متعلق به ۱۷/۱۶۱۶ م. (ماخذ: URL19).



تصویر ۲۳: مریم و مسیح، اثر فرانسسکو توروباران، نقاش اسپانیایی، رنگ روغن روی بوم، متعلق به ۱۶۳۳ م. (ماخذ: URL21).



تصویر ۲۲: جودیت و مستخدمه‌اش، اثر آرتمیسیا جنتیلیشی، نقاش ایتالیایی، رنگ روغن روی بوم، متعلق به ۱۶۲۵ م. (ماخذ: URL20).



تصویر ۲۴: بشارت، اثر ماتياس استام یا استامر، نقاش عصر طلایی هلند، رنگ روغن روی بوم، متعلق به ۱۶۴۹ م. (ماخذ: URL22).

توروباران، ماتياس استام، رامبراند وان راین،<sup>۵۶</sup> جوزف رایت،<sup>۵۷</sup> ژاک لویی داوید<sup>۵۸</sup> و بسیاری دیگر اشاره کرد. دیرک فان بابورن نقاش هلندی، در اثری به نام توقیف کردن حضرت مسیح، ضمن گنجاندن انبوهی از پرسوناژها، تاریکی را از دست نمی‌دهد و فضای غم‌انگیز را با چیره‌دستی خاص در فضایی محدود به تصویر می‌کشد. در این تصویر فام سیاه-خاموش‌کننده رنگ‌ها- سبب به نمایش گذاشتن البسه‌های آنان می‌گردد؛ و یا آرتمیسیا جنتیلیشی، نقاش ایتالیایی در اثری به نام جودیت و مستخدمه‌اش، هم نور



تصویر ۲۷: مسیح بیماری رامداوا می‌کند، اثر رامبراند وان راین، نقاش و چاپگر هلندی، گراوورسازی، شیوه‌اچینگ (تیزابی)، متعلق به ۱۶۴۲/۴۹ م. (ماخذ: URL23).



تصویر ۲۵: کلاس درس آناتومی، اثر رامبراند وان راین، نقاش و چاپگر هلندی، رنگ روغن روی بوم، متعلق به ۱۶۳۲ م. (ماخذ: URL23).

تراژیک. وی در اثر دیگری از این نوع، برای به صحنه کشیدن نیم‌تنه و نیم‌رخ همسر خود، ساسکیافان اوپلین بورخ، از سایه‌روشن‌های ملایم و شدید برای بیرون کشیدن پرسوناژ از دل تاریکی بهره می‌گیرد (تصاویر ۲۵ و ۲۶).

او در اثری به نام «مسیح بیماری رامداوا می‌کند»، با سود جستن از چاپ دستی و یا به عبارتی دیگر، گراوورسازی و بهره‌گیری از شیوه‌اچینگ<sup>۵۹</sup> (تیزابی) در فضایی سیاه و سفید، از ویژگی‌های تئبریسم استفاده می‌نماید؛ لیکن، خارج از فضای متداول، ضمن استفاده از خاکستری‌های ضروری، بخشی از اثر را -که در کادری افقی است (سمت راست)- در تاریکی و بخشی دیگر (سمت چپ) را در روشنایی قرار می‌دهد؛ که حرکتی تازه در به کارگیری این سبک می‌باشد و طبق روش معمول تمامی فضا را در تاریکی خلاصه نمی‌کند (تصویر ۲۷).

جوزف رایت، نقاش انگلیسی نیز با توجه به رویاپردازی، فیلسوفی را به تصویر می‌کشد که در حال سخنوری و نمایش گوی جهان‌نمایی باشد؛

و بدین طریق، به پیش‌باز سبک سوررئالیسم<sup>۶۰</sup> می‌رود. وی در این تصویر، از حداکثر تیرگی و سایه‌روشن در یک کادر افقی، جهت برجسته‌نمایی پرسوناژهایش استفاده می‌نماید. لیکن، ژاک لویی داوید، هنرمند فرانسوی وقت، بالعکس، در اثری به نام مرگ مارا، با انتخاب یک کادر عمودی و موضوعی واقع‌گرایانه و حزن‌انگیز، نه در قسمت چپ و راست نقاشی، بلکه قسمت فوقانی اثر را غرق در تیرگی و قسمت زیرین را با سود جستن از سایه و نیم‌سایه‌ها روشن می‌نماید؛ تا نگاه دراماتیک در کل فضای اثر مطروحه کاملاً احساس گردد (تصاویر ۲۸ و ۲۹).



تصویر ۲۶: ساسکیافان اوپلین بورخ، اثر رامبراند وان راین، نقاش هلندی، رنگ روغن روی بوم، متعلق به ۱۶۳۴/۳۵ م. (ماخذ: Ibid).

شعف‌انگیز و پرنشاط می‌باشند. هر چند که پرسوناژها در تاریکی قرار گرفته‌اند (تصاویر ۲۳ و ۲۴).

با توجه به نکات مطروحه، به خوبی می‌توان دریافت که گروهی از هنرمندان، در به کارگیری تئبریسم همیشه از قوانین از پیش تعیین شده که شرح آن گذشت و دیدگاه‌های مذهبی استفاده نمی‌کنند؛ بلکه با سود جستن از تکنیک نامبرده آثاری می‌آفرینند که گویای فضایی دیگری باشد. به طور مثال، رامبراند وان راین در اثری به نام کلاس درس آناتومی در ساختار تصویری تیرگی‌ها را برای به نمایش درآوردن روشنی‌های خود برگزیده و نه برای القانمودن موضوعی



تصویر ۲۹: مرگ مارا، اثر ژاک لویی داوید، نقاش فرانسوی، رنگ روغن روی بوم، متعلق به ۱۷۹۳ م. (ماخذ: URL25).



تصویر ۳۰: حضرت مسیح در کنار کوه زیتون، اثر فرانسیسکو گویا، نقاش و چاپگر اسپانیایی، رنگ روغن روی تخته، متعلق به ۱۸۱۹ م. (ماخذ: URL26).



تصویر ۳۱: دلک، اثر آنوره دُمیه، هنرمند فرانسوی، رنگ روغن روی بوم، متعلق به حدود ۱۸۶۳ م. (ماخذ: URL27).



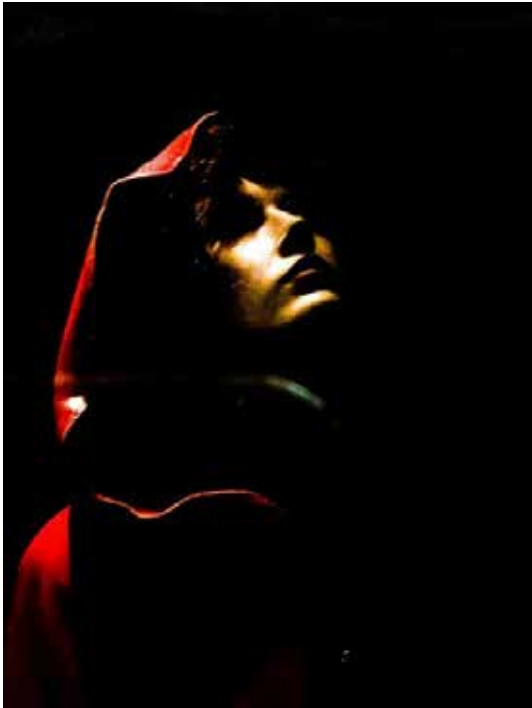
تصویر ۲۸: فیلسوف درباره گوی افلاک نما سخن می گوید، اثر جوزف رایت، نقاش انگلیسی، رنگ روغن روی بوم، متعلق به حدود ۱۷۶۵ م. (ماخذ: URL24).

### نظری اجمالی به دست آوردهای تئیریسیم، از قرن نوزدهم میلادی تا به امروز

تئیریسیم و یا به عبارتی دیگر کاراواژیسم، تنها در نقاشی و چاپ دستی قرون ۱۷ و ۱۸ م. به نمایش در نمی آید؛ بلکه ادامه تظاهرات آن را به غیر از نقاشی و گراورسازی های یاد شده - که هم چنان با ادغام در سبک های تازه تر به کار گرفته می شود - می توان در دیگر آثار هنرهای تجسمی نیز مانند عکاسی و یا فیلم سینما، از قرن ۱۹ میلادی تا به امروز، نظاره نمود. در واقع، تئیریسیم، نه تنها توسط هنرمندانی چون فرانسیسکو گویا<sup>۶۱</sup> نقاش و چاپگر پرآوازه اسپانیایی و یا آنوره دُمیه<sup>۶۲</sup> تصویرگر و گراورساز مشهور فرانسوی، در سبک و سیاق های نوآورانه آنان و دیگر هنرمندان نوگرا ادامه می یابد (تصاویر ۳۰ و ۳۱)، بلکه می توان نمونه هایی از چنین برداشتی را در هنر عکاسی و ادغام آن را در برخی از شیوه های چاپ دستی، هم چون فتو اچینگ<sup>۶۳</sup> و سرانجام، در بعضی از آثار عکاسی و سینمایی قرن حاضر رؤیت کرد؛ مانند منظره هایی از هنرمندی ناشناخته به نام جنگل در تاریکی، که گویای ارزش های زیبایی شناسانه سبک رمانتیک نیز می باشد. هنرمند مطروحه در این گونه تصاویر، ضمن اشاره به سیاهی شب با سود جستن از قالب هایی عمودی و افقی، نوری بخار آلود و یا فضایی مه گرفته را از دور دست به صحنه می کشد که با دیدگاه های گذشته در تئیریسیم تناقض دارد؛ یعنی به جای این که فضای دور دست را تیره نماید، برعکس غرق در روشنایی نموده است (تصاویر ۳۲ و ۳۳).

و یا آثاری که هنرمندانی دیگر، ضمن استفاده از سبک هایی چون رئالیسم، کوبیسم، سوررئالیسم و یا ادغام برخی از





تصویر ۳۵: پرتره، اثر هنرمندی گمنام، عکاسی رنگی، متعلق به قرن حاضر (ماخذ: *ibid*).



تصویر ۳۶: پرتره، باسود جستن از سایه روشن (کیاروسکورو) اثر هنرمندی گمنام، عکاسی، متعلق به قرن حاضر (ماخذ: *ibid*).



تصویر ۳۷: خودنگاره، اثر ریان پری، عکاسی چندوجهی (از زوایای مختلف) متعلق به قرن حاضر (ماخذ: URL29).



تصویر ۳۲: جنگل در تاریکی شب، اثر هنرمندی ناشناخته، میکس تکنیک، متعلق به قرن حاضر (ماخذ: URL28).



تصویر ۳۳: جنگل در تاریکی شب، اثر هنرمندی ناشناخته، میکس تکنیک، متعلق به قرن حاضر (ماخذ: *ibid*).



تصویر ۳۴: پرتره دختر جوان، اثر هنرمندی ناشناخته، عکاسی رنگی، متعلق به قرن حاضر (ماخذ: URL28).



تغییر و تحولات فرهنگی و اجتماعی گوناگون، رو به ضعف گذاشتن دیدگاه‌های مذهبی و نضج گرفتن اختراعات و اکتشافات، با پیشرفت علوم و فنون، هم‌چنین، شکل‌گیری تکنیک رنگ‌روغن و چاپ دستی می‌باشد؛ بلکه هنرمندان غربی تحت تاثیر نظریات و رویکردهای مختلف، تفکرات و دیدگاه‌های فیلسوفان، دانشمندان و ادیبان یاد شده نیز قرار داشته‌اند و بدین ترتیب، معنا و مفهوم نور را از عرش به فرش تبدیل کرده‌اند. در پاسخ به دومین پرسش، باید اظهار نمود که، قبل از این دوران، کیاروسکورودر بسیاری از آثار هنری به وضوح وجود داشته؛ اما شدت بخشیدن به آن در پرتو سازی‌ها حرکتی تازه بوده و در کل فضای اثر معمول نبوده است. در پاسخ به سومین پرسش، باید گفت هرچند که، در ابتدا، تئیریسیم در هنر نقاشی به نمایش در می‌آید، لیکن، چندی بعد نه تنها در شهرهای دیگر ایتالیا مورد استفاده قرار می‌گیرد، بلکه به دیگر کشورها مانند اسپانیا، فرانسه و انگلیس، هم‌چنین، فلاندر، آلمان، هلند و غیره نیز رهسپار می‌گردد و از شیوه به سبک تبدیل می‌شود. هم‌چنین، نه فقط در هنرهای نامبرده جلوه می‌کند، بلکه در دیگر هنرهای تجسمی نیز مصداق می‌یابد؛ به همین علت هنرمندان اروپایی، زمانی طبق اصول و قوانین مذهبی خویش به آثارشان نگریسته‌اند و زمانی نیز تحت تأثیر دگرگونی‌های علمی و رخدادهای جدید قرار گرفته‌اند و سرانجام، به دنبال تجدد خواهی تغییراتی بسیار گسترده در آثارشان داده‌اند. به طور مثال، آثاری که در قرن هفده میلادی با پیشرفت علوم گوناگون، به خصوص در فلسفه، ادبیات و موسیقی به وجود آمده‌اند و به عصر روشنگری شهرت یافته‌اند، گویای پیشرفت و جنبشی هستند که به افول دیدگاه‌های مذهبی و ارزش‌های اعتقادی آنان دامن زده‌اند. یعنی رویکرد و اعتقاداتی که با دستاوردهای قرون وسطی قابل مقایسه نمی‌باشند. در این پیشرفت‌ها، نقاشی دیواری، مینیاتورسازی، نقاشی سه‌پایه‌ای، چاپ دستی، مجسمه‌سازی و چندی بعد، هنر عکاسی و سینمایی نیز در غرب دگرگون گشته و به سبک‌ها و فضاهایی نوین استحاله یافته و نشان دهنده نوع تفکر و تغییر و تحولی است که تا به امروز، در چرخه آثار هنری آنان ادامه یافته و بیان‌کننده تفاوت‌هایی است که در بطن آثارشان، به خوبی، احساس می‌گردد. بدین ترتیب، بی‌هیچ شک و شبهه‌ای نقش پُررنگ زمان و مکان و دیگر عوامل یاد شده را به خوبی،

آن‌ها با هم، در نمایش چهره‌سازی‌ها، هم از هنر عکاسی و هم از ویژگی‌های تئیریسیم، به صورت سیاه و سفید و یا رنگی، توأمان با یکدیگر بهره می‌گیرند (تصاویر ۳۴-۳۶). هم‌چنین، به کارگیری عکاسی به صورت چندوجهی، توسط هنرمندی به نام ریان بری<sup>۶۴</sup> با تاثیرپذیری از کوبیسم به وجود می‌آید (تصویر ۳۷). بدین ترتیب، تئیریسیم در فیلم و سینما نیز مورد استفاده بسیار قرار می‌گیرد که بررسی آن، در این مختصر نمی‌گنجد.

### نتیجه‌گیری

با توجه به آن‌چه که در این مقاله مطرح گردید، به خوبی، می‌توان به ساختار بصری آثار موسوم به تئیریسیم و تاثیراتی که هنرمندان از دیدگاه‌های اسطوره‌ای و مذهبی، در لوای فرهنگ‌های گوناگون گرفته‌اند از یک سو، و در جست و جوی نوگرایی و رسیدن به بیانی تازه، در ارتباط با تراژدی‌های گوناگون و یا بالعکس با به کارگیری موضوعات غیر تراژیک، مانند بشارت، تولد حضرت مسیح - که صحنه‌های شادی بخش مذهبی است - سوزهای شاعرانه، رویایی و موسیقایی در فضایی ژرمانتیک و یا سود جستن از تصاویر نسبتارنالیستی، و یا بالعکس خیال‌پردازانه، ضمن استفاده از هنرهای دیگری، مانند عکاسی با انتخاب موضوعات غیر اسطوره‌ای و مذهبی، تفکرات روشن‌فکرانه و ارزش‌های زیبایی‌شناسانه از دیگر سو، واقف گشت. لذا، با توجه به نتیجه حاصل آمده، ابتدا، به پرسش‌های مطرح شده در این تحقیق، پاسخ داده می‌شود که راه‌گشای ابهامات بسیاری در این زمینه می‌باشد. جهت پاسخ‌گویی به اولین پرسش، باید گفت که، در شکل‌گیری اندیشه و فضا سازی‌های به وجود آمده در آثار یاد شده، هنرمندان، نه تنها همیشه توجه به ارزش‌های مذهبی، به غیر از دوران طلایی مسیحیت، نداشته‌اند و به دنبال هم‌آوایی با دستاوردهای دینی نبوده‌اند، بلکه در گذشته‌های دور، گروهی از تفکرات و برداشت‌های مذهبی بهره جسته و نور را هم‌ذات با خداوند پنداشته‌اند؛ یعنی تفکرات و برداشت‌هایی که از ارزش‌های عرفانی و یا از تخیلات ماورایی سرچشمه گرفته است؛ و گروهی نیز هم‌چون گذشته توجهی خاص به دستاوردهای اسطوره‌ای از یک سو، و ارزش‌های افسانه‌ای و تاریخی، زمینی، مادی و این جهانی از دیگر سو، نموده‌اند. در واقع، نه تنها برداشت‌های نوین‌شان نتیجه

۲) استفاده بسیاری از دست آوردهای باروک در فضای آثار تِنبریسَم می‌باشد.

۳) استفاده از مواد و مصالحی است که در هر دو هنر، روی تخته‌های چوبی و با بوم نقاشی و یا چاپ دستی دیده می‌شود.

۴) بخشی از موضوعاتی را که در هنر باروک به تصویر کشیده‌اند، در تِنبریسَم نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ مانند پرتله‌سازی‌ها.

۵) سبک تِنبریسَم در اروپا همانند هنر باروک فراگیر می‌شود؛ هرچند که ظاهراً شهرت کم‌تری دارد.

وجوه افتراق

۱) توجهی که هنرمندان به تیرگی در تقابل با روشنی، در سبک تِنبریسَم، نسبت به هنر باروک دارند.

۲) شدت بخشیدن به کیاروسکورو، برخلاف سبک باروک و استفاده نکردن از سایه‌های ملایم است.

۳) به کارگیری برجسته‌نمایی‌های اغراق‌آمیز است؛ تا اثر، مجسمه‌وار جلوه کند.

۴) بهره‌گیری از رنگ‌های محدود تا سیاهی و تیرگی به کل فضای اثر غلبه نماید.

۵) در انتخاب موضوع، برخلاف هنر باروک، دور شدن از تزئین، هنری اشرافی و تجملی می‌باشد.

می‌توان در این گونه آثار نظاره نمود. سرانجام، با وصفی که گذشت، می‌توان چنین نتیجه گرفت که آثار شکل گرفته با موضوع تِنبریسَم، ضمن داشتن هم‌سانی‌های ظاهری، در برگیرنده اختلافات بنیادی و ذاتی بسیاری با یکدیگر می‌باشند؛ لذا، برای روشن شدن دگرگونی‌های شکل گرفته بین هنر باروک و تِنبریسَم، اجمالاً، در ذیل این سطور به وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها اشاره می‌شود. هم‌چنین، امید می‌رود؛ تحقیق حاضر - که در زمینه بررسی ساختار بصری آثار موسوم به تِنبریسَم است - باعث انگیزه و دست‌مایه‌ای شود، تا پژوهش‌گران و صاحب‌نظران آتی، این موضوع را به صورت موشکافانه‌تری مورد پژوهش قرار دهند؛ تا نکات بسیار ارزشمند دیگری آشکار و از طریق تحلیل فضاهای یاد شده عمیقاً، رمزگشایی بیش‌تری گردد و سرانجام، با کشف واقعیت‌هایی که تاکنون محققین به آن‌ها دست نیافته‌اند، راهی به شناخت بهتر این گونه آثار - که همان آگاهی بیش‌تر از تغییر و تحولات هنرهای تجسمی و تأثیرپذیری آن‌ها از تِنبریسَم است - گشوده شود.

### وجوه اشتراک

۱) هنر باروک و تِنبریسَم، تقریباً، آن‌ها هم‌زمان در ایتالیا شکل می‌گیرند.

### پی‌نوشت

1. Chiaroscuro.
2. Darknes.
3. Tenebrism.
4. Caravaggism.
5. H. W. Janson(1913 – 1982).
6. نک. (جنسن، ۱۳۵۹: ۴۰۱ و ۴۰۲).
7. Helen Gardner(1878 – 1946).
8. نک. (گاردنر، ۱۳۶۵: ۵۱۱ و ۵۱۲).
9. Hjorvardur Harvard Arnason(1909 – 1986).
10. نک. (آرناسن، ۱۳۶۷: ۱۷ الی ۶۰۲).
11. Sir Herbert Edvard Read(1893 – 1968).
12. Michelangelo Merisi called Caravaggio(1571 – 1610).
13. نک. (رید، ۱۳۶۷: ۱۲۷).
14. Fredrick Hartt(1914 – 1991).
15. Artemisia Gentileschi(1593 – 1653/6).
16. نک. (هارت، ۱۳۸۲: ۷۷۲ الی ۷۷۵).
17. Dennis J Sporre(1944 – age 73).
18. نک. (اسپور، ۱۳۹۲: ۲۹۲).
19. Marilyn Stokstad(1929 – 2016).
20. نک. (استاکستاد، ۱۳۹۵: ۳۶۷ و ۳۶۸).
21. Etymologie.

22. Dramatic.
  23. Easter.
  24. Portrait.
  25. Tenebroso.
  26. Georege de la Tour(1593 – 1652).
  27. Gerrit Van Honthorst(1592 – 1656).
  28. Hendrick – Ter – Brugghen(1588 – 1629).
  29. Francisco de Zurbaran(1598 – 1664).
  30. Tempera see(Tempura).
  31. Jan Van Eyck(1395 – 1441).
  32. Tommaso di Ser Giovanni di Simone Called Masaccio(1401 – 1428).
  33. Giotto di Bondone(c.1270 – 1337).
  34. Petrus Christus(1410/20 – 1475/76).
  35. Hans Memling(1430 – 1494).
  36. Geertgen Van Haarlem Called Geertgen Tot Sint Jans(1465 – 1495).
  37. Albrecht Durer(1471- 1528).
  38. Leonardo da Vinci(1452 – 1519).
  39. Hans Holbein The younger(1497 – 1543).
  40. Manerism.
  41. Baroque.
  42. Giovanni Baglione(1566 – 1643).
  43. Cristofano Allori(1577 – 1621).
  44. Peter Paul Rubens(1577 – 1640).
  45. Trophine Bigot(1579 – 1650).
  46. Tragedy(Tragique).
  47. Romantisism.
  48. Adam de Coster(1586 – 1643).
  49. Domenikos Theotocopoulos Called El Greco(1541 – 1614).
  50. Diego Rodriguez de Silva y Velazquez(1599 – 1660).
  51. Jose de Ribera(1591 – 1652).
۵۲. کوئی تیسم (Quitism)، آرامش گرایی که نشأت گرفته از فرقه متصوفه اهل سکوت است.
53. Rococo.
  54. Dirck Van Baburen(1595 – 1624).
  55. Matthias Stomer(1600 – 1652).
  56. Rembrandt Harmenzoon Van Rijn(1606 – 1669).
  57. Joseph Wright of Derby(1734 – 1797).
  58. Jacques Louis David(1745 – 1825).
  59. Etching.
  60. Surrealism.
  61. Francisco Goya(1746 – 1828).
  62. Honore Daumier(1808 – 1879).
  63. Photo Etching.
  64. Ryan Berry.

#### منابع

- آرناسن، یورودورهارواد (۱۳۶۷). *تاریخ هنرنوین*، ترجمه محمد تقی فرامرز، تهران: زرین و نگاه.
- آیت الهی، حبیب الله (۱۳۶۴). *هنرچیست*، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- آیتو، جان (۱۳۸۶). *فرهنگ ریشه شناسی انگلیسی*، ترجمه حمید کاشانی، تهران: فرهنگ نشر نو معین.
- اسپور، دنیس (۱۳۹۲). *انگیزه آفرینندگی در سیر تاریخی هنرها*، ترجمه امیر جلال الدین اعلم، ج. دوم، تهران: نیلوفر ودوستان.
- استاکستاد، مریلین (۱۳۹۵). *تاریخ هنر*، ترجمه بهزاد سلماسی، آناهیتا مقبلی و گروهی از مترجمان، تهران: فخر اکیا.
- جنسن، ه. و. (۱۳۵۹). *تاریخ هنر از سپیده دم تاریخ تا زمان حاضر*، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- رید، هربرت و هیأت مؤلفان (۱۳۶۷). *کتاب هنر*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.
- گاردنر، هلن (۱۳۶۵). *هنر در گذر زمان*، ترجمه محمد تقی فرامرز، تهران: آگاه.
- هارت، فردریک (۱۳۸۲). *سی دوهزار سال تاریخ هنر*، ترجمه موسی اکرمی و همکاران، تهران: پیکان.
- Aryanpur, A. & Aryanpur, M. (1986). *The English – Persian Collegiate Dictionary*. (Vol. II). Tehran: Amir Kabir.
- Corréard, M.H. & Grundy, V. (1997). *The Oxford – Hachette French Dictionary (French – English / English – French)*. New

York: Oxford University Press.

- Gioan, P. (1973). *Dictionaire Ussuel, Quillet*. Paris: Flammarion
- Pearsall, J. (1999). *The New Oxford Dictionary of English*. Oxford University Press.

**URLs:**

- URL1. <http://www. Encyclopedi Britannica. Com/art/Tenebrism>(Access date: 15/4/2016)
- URL2. <https://www.google.com/Jan van Eyck>(Access date:20/8/2017)
- URL3. <http://www.google.com/Petrus Christus>(Access date: ibid)
- URL4. <https://www.google.com/Hans Memling>(Access date:20/8/2017)
- URL5. <https://www.google.com/Geertgen Van Harlem>(Access date: ibid)
- URL6. <http://www.google.com/Albrecht Durer>(Access date: 22/8/2017)
- URL7. <http://www.google.com/Leonardo da Vinci>(Access date: ibid)
- URL8. <http://www.google.com/ Hans Holbein>(Access date:24/8/2017)
- URL9. <https://www.google.com/Caravaggio>(Access date: ibid)
- URL10. <https://www.google.com/Giovanni Baglione>(Access date:29/8/2017)
- URL11. <https://www.google.com/Christofano Allori>(Access date:ibid)
- URL12. <https://www.google.com/Peter Paul Rubens>(Access date: ibid)
- URL13. <http://www.google.com/Trophine Bigot>(Access date:ibid)
- URL14. <https://www.google.com/Adam de Coster>(Access date:2/9/2017)
- URL15. <http://www.google.com/Hendrick-Ter-Bruggen>(Access date:ibid)
- URL16. <https://www.google.com/Gerrit Van Honthorst>(Access date:5/9/2017)
- URL17. <https://www.google.com/Jose de Ribera>(Access date:ibid)
- URL18. <https://www.google.com/Georege de la Tour>(Access date:7/9/2017)
- URL19. <https://www.google.com/Dirck Van Baburen>(Access date: Ibid)
- URL20. <https://www.google.com/Artemisia Gentileschi>(Access date: ibid)
- URL21. <https://www.google.com/Francisco de Zurbaran>(Access date:9/9/2017)
- URL22. <https://www.google.com/Matthias Stom>(Access date: ibid)
- URL23. <http://www.google.com/Rembrandt Van Rijn>(Access date:ibid)
- URL24. <http://www.google.com/Joseph Wright>(Access date:12/9/2017)
- URL25. <http:// www.google.com/Jacques Louis David>(Access date: ibid)
- URL26. <http://www.google.com/Francisco Goya>(Access date: ibid)
- URL27. <http://www.google.com/Honore Daumier>(Access date: ibid)
- URL28. <http://www.google.com/Dark Jungle/Collection by pipo>(Access date: ibid)
- URL29. <http://www.google.com/ Ryan Berry/Photography>(Access date: 15/9/2017)

## The Analysis of Aesthetics of Light in Tenebrism (Since 15<sup>th</sup> Century to the Present)

### Abstract:

The 17th century is well known as the beginning of the continent of Europe's entry into new eras following Middle Ages and even the age of renaissance, when political, economic, philosophical, scientific, cultural and artistic movements emerged. During this period, the ideas of Rene Decart, John lock and other French and British philosophers' as well as viewpoints of scientists such as Blerr Pascall and Isaac Newton, Physicians from the same countries and William Shakespeare the English poet and writer, made significant changes and alterations to previous ideologies, beliefs and principles. At the same time, with the blossoming of Opera, refining of the instruments of modern orchestra and performing sounds in a multi tone manner (polyphony) instead of one melody (monophony), a new era began in music. These revolutions are called the age of enlightenment: the arts are intermingled with intellectualism, self-admiration, materialism and to some extent spiritualism in this new age. And from among all this, Baroque style was born. In fact, Baroque is recognised as aristocratic, luxurious, counter-mannerist and regarding concept, a spiritual one, yet a materialistic art in terms of skill.

One of the Italian artists of this era, i.e. Michelangelo Merisi, better known as Caravaggio, uses this style with a distinct outlook towards light and shade (Chiaroscuro), and creates a new style called 'Tenebrism'. Therefore, artists such as the French painter, Georges de La Tour, or the Dutch painter and print-maker, Rembrandt Harmenszoon van Rijn, and many others were immensely influenced by the aesthetics of light and made more efforts to use this notion as compared to the past artists.

The term Tenebrism is derived from the Latin word Tenebrea (meaning to dive into the depth of darkness) which is rooted in Christianity as well. As a style of painting within the history of Western art, Tenebrism begins with using the contrast between light and darkness as a theatrical element. Most artists use it first in the background of their paintings, then in the middle lastly in the foreground. In fact, they start by a making a part of their work very dark and then use the light to make the main part of painting to pop out and give the illusion of a three-dimensional work of art. This contrast between light and dark is called Tenebrosso in the Italian language. Likewise, Tenebres in the French language means angel, prince or king of darkness. The word Tenebrist also refers to an artist who is creating works of art in the framework of Tenebrism style.

The paper at hands intends to analyze, examine and explore the visual construction and influential factors in aesthetics of light within Tenebrism. To this purpose, first the main question of this research is answered: How and why under the influence of new scientific experiments, the meaning of light has changed from that of a divine and sacred element in the past into a materialistic and worldly component in Western paintings?

The research findings indicate that Tenebrism is the revelation of light within darkness; due to the firm belief and ideology of a lot of Western artists that everything (including the existence and light) is born from within the heart of darkness. Similarly, in Greek mythology, Apollo, the god of light, dispenses light far and wide while riding on his horse, in order to defeat darkness; Or in the middle ages, light was considered as a manifestation of God.

The study comes to the conclusion that the age of enlightenment turned to be a notable era for transforming the preceding notions. Consequently, in a few paintings of this period, light concentrates only on the main subject to highly distinguish objects and characters; and it leaves the rest of the visual space in darkness. In fact, attention to such conception in few of art

### Jalaleddin Soltan Kashefi

Professor, Faculty of Visual Arts  
University of Art, Tehran, Iran.  
Email: soltankashefi@gmail.com





works of this period is not only driven from mythical and religious motives, but also from enlightening values and aesthetical understandings, all of which have been revealed in this study.

**Key Words:** Tenebrism, Chiaroscuro, Caravaggio, light within darkness, George de la Tour, Rembrandt van Rijn.

#### References:

- Arnason, H. H. (1988). *A History of Modern Art*. (Mohamad Taghi Faramazi, Trans.). Tehran: Zarrin & Negah.
- Aryanpur, A. & Aryanpur, M. (1986). *The English–Persian Collegiate Dictionary*. (Vol. II). Tehran: Amir Kabir.
- Ayatollahi, H. (1985). *What is Art?* Tehran: Raja Cultural Publications.
- Ayto, J. (2007). *Word Origins: The Hidden Histories of English Words from A to Z*. (Hamid Kashani, Trans.). Tehran: Farhang-e Nashre No & Moeen.
- Corréard, M.H. & Grundy, V. (1997). *The Oxford – Hachette French Dictionary (French – English / English – French)*. New York: Oxford University Press.
- Dayvis, D. (2009). *Janson's the History of Art*. (Farzan Sojudi et. al). Tehran: Farhangsaraye Mirdashti.
- Gardner, H. (1986). *Art Through the Ages*. (Mohamad Taghi Framarzi, Trans.). Tehran: Agah.
- Gioan, P. (1973). *Dictionnaire Ussuel, Quillet*. Paris: Flammarion.
- Hartt, F. (2003). *Art: A History of Painting, Sculpture, Architecture*. (Musa Akrami et. al. Trans.). Tehran: Paykan.
- Janson, H.W. (1980). *The History of Art*. (Parviz Marzban, Trans.). Tehran: Amuzeshe Enghelabe Eslami.
- Pakbaz, R. (1990). *Searching for a New Language (Painting in Modern era)*. Tehran: Negah.
- Pakbaz, R. (1999). *Encyclopedia of Art (Painting, Sculpture, Graphic Arts)*. Tehran: Farhang-e Moaser.
- Pearsall, J. (1999). *The New Oxford Dictionary of English*. Oxford University Press.
- Read, H. (1988). *The Book of Art*. (Yaghub Azhand, Trans.). Tehran: Mola.
- Sporre, D. J. (2013). *The Creative Impulses: An Introduction to the Arts*. (Amir Jalaeddin Aalam, Trans.). Tehran: Niloofar & Dustan.
- Stokstad, M. (2016). *Art: A Brief History*. (Behzad Salmasi & Anahita Moghbeli, et. al., Trans.). Tehran: Fakhrakiya.

#### URLs:

- URL1. [http://www. Encyclopedia Britannica. Com/art/Tenebrism](http://www.Encyclopedia Britannica. Com/art/Tenebrism)(Access date: 15/4/2016)
- URL2. <https://www.google.com/Jan van Eyck>(Access date:20/8/2017)
- URL3. <http://www.google.com/Petrus Christus>(Access date: ibid)
- URL4. <https://www.google.com/Hans Memling>(Access date:20/8/2017)
- URL5. <https://www.google.com/Geertgen Van Harlem>(Access date: ibid)
- URL6. <http://www.google.com/Albrecht Durer>(Access date: 22/8/2017)
- URL7. <http://www.google.com/Leonardo da Vinci>(Access date: ibid)
- URL8. <http://www.google.com/Hans Holbein>(Access date:24/8/2017)
- URL9. <https://www.google.com/Caravaggio>(Access date: ibid)
- URL10. <https://www.google.com/Giovanni Baglione>(Access date:29/8/2017)
- URL11. <https://www.google.com/Christofano Allori>(Access date: ibid)
- URL12. <https://www.google.com/Peter Paul Rubens>(Access date: ibid)
- URL13. <http://www.google.com/Trophine Bigot>(Access date: ibid)
- URL14. <https://www.google.com/Adam de Coster>(Access date:2/9/2017)
- URL15. <http://www.google.com/Hendrick-Ter-Bruggen>(Access date: ibid)
- URL16. <https://www.google.com/Gerrit Van Honthorst>(Access date:5/9/2017)
- URL17. <https://www.google.com/Jose de Ribera>(access date: ibid)
- URL18. <https://www.google.com/Georege de la Tour>(Access date: 7/9/2017)
- URL19. <https://www.google.com/Dirck Van Baburen>(Access date: ibid)
- URL20. <https://www.google.com/Artemisia Gentileschi>(access date: ibid)
- URL21. <https://www.google.com/Francisco de Zurbaran>(Access date:9/9/2017)
- URL22. <https://www.google.com/Matthias Stom>(Access date: ibid)
- URL23. <http://www.google.com/Rembrandt Van Rijn>(Access date: ibid)
- URL24. <http://www.google.com/Joseph Wright>(Access date:12/9/2017)
- URL25. <http://www.google.com/Jacques Louis David>(access date: ibid)
- URL26. <http://www.google.com/Francisco Goya>(Access date: ibid)
- URL27. <http://www.google.com/Honore Daumier>(Access date: ibid)
- URL28. <http://www.google.com/Dark Jungle/Collection by pipo>(Access date: ibid)
- URL29. <http://www.google.com/Ryan Berry/Photography>(15/9/2017)